

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

نعت و ستایش در منظومه فتحنامه حسام‌الملک سروده میرزا احمد الهامی  
کرمانشاهی (۱۲۶۴-۱۳۲۵ ه.ق)

نویسنده‌ی اول: مه‌ری پاکزاد

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران، عضو هیأت علمی،

استادیار رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

Email: mehri\_pakzad2004@yahoo.com

Tel: 09144426725

نویسنده‌ی دوم: احمد قادری

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، گروه زبان و ادبیات فارسی، مهاباد، ایران دانشجوی دکتری

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

Email: malek\_sh73@yahoo.com

### چکیده:

فتحنامه حسام‌الملک سروده الهامی کرمانشاهی (۱۲۶۴-۱۳۲۵ ه.ق) شاعر شیعی‌مذهب که سال ۱۳۸۴ به اهتمام محمدعلی سلطانی به چاپ رسیده‌است. محتوای اثر شرح سرکوبی هم‌اوندان در دوره ناصرالدین‌شاه به دست حسام‌الملک است که در قالب مثنوی، در ۲۵۰۰ بیت به رسم منظومه‌سرایی متقدمان با ستایش خدا، پیامبر(ص)، امام علی(ع)، حضرت زهرا، ائمه خصوصاً حضرت قائم(عج) و سپس مدح ناصرالدین‌شاه آغاز و سروده شده است. عواملی مانند: سیاست، فرهنگ و مذهب در ساختار درونی تحمیدیه و مدح مؤثر بوده‌است. در این مقاله ضمن معرفی مختصر اثر شیوه تحمیدیه، مدح و انواع آن در این منظومه بررسی و تحلیل شده‌است.

کلید واژه‌ها: تحمیدیه، فتحنامه، حسام‌الملک، الهامی

### ۱. مقدمه

ادبیات فارسی به درازای عمر هزار ساله خویش در هر دو حوزه نظم و نثر سرشار از ستایش‌ها و نعت و منقبت‌های زییاست که هر کدام در نوع خود حاکی از آموزه‌های دینی و فطرت خداجویانه ما ایرانیانی است که همواره در صدد خوشنودی خود و خدای خود گام برداشته و در آغاز کارها، خطابه، نوشته‌های خود اعم از نظم یا نثر را با حمد و ستایش خدا و رسول و بزرگان دین آذین بسته و مبارک می‌گردانیم. تحمیدیه در اشکال و قالب‌های مختلف آن رسمی دیرین در ادبیات فاخرانه ایران محسوب می‌شود.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تحمیدیه در لغت به معنی مبالغت کردن در حمد و نیک‌ستودن و پی‌درپی ستایش کردن است و در اصطلاح علوم ادبی به معنای بسیار حمد گفتن از برای خداوند و ذکر نام و ادای احترام به حضرت محمد(ص) می‌باشد که غالباً در آغاز خطبه‌ها و دیباچه کتابها قرار می‌گیرد [7].

تحمیدیه در اصل به مقدمه‌ای گفته می‌شود که در آغاز متون نظم و نثر به ستایش خداوند یگانه و برشمردن نعمات و صفات وی می‌پردازد و این موضوع به عنوان یک سنت، مرسوم بوده‌است.

ساختار تحمیدیه‌های ادب فارسی عموماً شامل بخش‌هایی است که در همه آنها رعایت شده‌است. «آنچه در تحمیدیه‌ها در اولویت قرار دارد، ذکر صفات سلبی و ثبوتی خداوند است و پرداختن به دعا و معاد و نعت پیامبر(ص) که معمولاً زیرمجموعه ادعیه هستند، در درجات بعدی اهمیت قرار دارند» [13]. با دقت در متن تحمیدیه‌های موجود، می‌توان بنیان تحمیدیه را اینگونه در نظر گرفت: با حمد پروردگار و توصیف عظمت کبریایی حق آغاز می‌شود. سپس شاعر یا نویسنده به اظهار عجز و نیاز می‌پردازد و گناهان و معاصی خویش را بازگو می‌کند. در نهایت از درگاه پروردگار، طلب عفو و مغفرت می‌کند [13].

الهامی شاعر که شیعی مذهب بوده و اهل کرمانشاه، در منظومه فتحنامه با توجه به اعتقادات خاص مذهبی خویش تنها به ستایش خدا و رسول و خلیفه چهارم و اهل بیت پرداخته و سپس مدح امرا و وزرای عصر، پرداخته است. نعت‌های مختصر و در مقایسه با کل منظومه از جنبه شمار ابیات، معقول و موجز است. عرق مذهبی در بخش منقبت نسبت به اهل بیت بسیار پررنگ و قابل توجه است. شاعر شیفته ستایش اهل بیت است و برای توصیف‌های بسیار اغراق‌آمیز این عشق و علاقه خویش به مقام و جایگاه خدا و رسول نیز سر می‌ساید و تقلا می‌کند برای تقدیس بیش از پیش ممدوحان خویش از ائمه به ویژه امام علی(ع) اما حسی(ع) و امام زمان(عج).

## ۲. پیشینه تحقیق

باتوجه به اینکه الهامی شاعر چندان صاحب شهرتی نیست و هنوز پس از گذشت یکصد و اندی سال منظومه فتحنامه وی به شیوه تصحیح علمی چاپ و منتشر نشده است آنچه در دست هست تنها تهیه یک نسخه ساده بدون هیچ تعلیق و حواشی است که از طرف انتشارات سها به همت محمد علی سلطانی در سال ۱۳۸۴ صورت گرفته است.

طبعاً وقتی کتابی در دسترس عموم پژوهشگران قرار نگیرد تحقیق و پژوهش چشمگیری نیز بر ساختار ظاهری یا محتوای آن موجود نخواهد بود.

قبل از اینکه به موضوع اصلی مقاله برگردیم لازم است معرفی مختصری از شاعر و منظومه فتحنامه حسام‌الملک وی ارائه شود تا خوانندگان با شناخت بیشتری موضوع تحمیدیه در این منظومه حماسی - مذهبی را پیگیری کنند.

## ۳. الهامی کیست؟

میرزا احمد کرمانشاهی فرزند آقا رستم در سال ۱۲۶۴ هـ.ق در خانواده‌ای معتقد و مذهبی در توسرکان چشم به جهان گشوده، در پنج سالگی همراه خانواده خود به کرمانشاه مهاجرت می‌کند و مدت شش ماه به دبستان می‌رود و خواندن و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نوشتن را فرا می‌گیرد، و به اجبار و ناخواسته مدرسه را رها می‌کند و برای کسب معاش و کمک به خانواده به اکتساب حرفه و صنعت روی می‌آورد. در بیست سالگی پدر را و پس از چندی مادر را از دست می‌دهد و کفالت خواهر و برادر را به عهده می‌گیرد.

الهامی بعد از گذشت مدتی تلاش برای امرار معاش خانواده، دچار مشکل می‌شود و قرض و بدهکاری زیادی به گردن او باقی می‌ماند در حقیقت، از همین جاست که ناگهان مسیر زندگی‌اش تغییر می‌کند و در خواب ملهم می‌شود و به سرودن منظومه روی می‌آورد. او که تا آن زمان «ملول» تخلص می‌کرده است، به سفارش استادش حسینقلی‌خان سلطانی کلهر، مبدل به «الهامی» می‌شود.

الهامی سرودن مثنوی عظیم و باشکوه «باغ فردوس» را در سال ۱۲۹۵ هـ ق یعنی ۳۶ سالگی آغاز می‌کند و بعد از هفت سال مثنوی را از آغاز حرکت حضرت ابا عبدالله (علیه السلام) تا قیام و شهادت مختار در قالب سی هزار بیت در سال ۱۳۰۲ هـ ق به پایان می‌برد و پس آن به شانزده هزار بیت تقلیل می‌دهد.

یکی از شعرای معاصر الهامی به نام محمد باقر میرزایی خسروی می‌نویسد: الهامی به غیر از مثنوی باغ فردوس، قریب به سی هزار بیت دیگر از قصاید فصیح و غزلیات ملیحه و مسمّطات بدیعه در مدح و منقبت و رسایی اهل بیت دارد. از الهامی سه فرزند ذکور به نام‌های ابوالحسن و عبدالحسین و ابوالقاسم بر جای می‌ماند که هر سه شاعر بوده‌اند و ابوالقاسم لاهوتی آخرین فرزند اوست، که درینا در ادب و آیین به راهی دگر رفت. عاقبت، فردوسی شاه کربلا یعنی الهامی کرمانشاهی در سال ۱۳۲۵ هـ ق جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند [2].

## ۴. آثار الهامی

از آثار برجسته الهامی، باغ فردوس، مسعودنامه یا فتحنامه حسام‌الملک، مثنوی حسن منظر، دیوان الهامی شامل قصاید، غزلیات و مثنوی‌ها است. اما مشهورترین آنها باغ فردوس است شامل بیست هزار بیت در مقتل امام حسین (ع) سروده شده است. دومین اثر الهامی فتحنامه که بر وزن شاهنامه سروده شده است و در واقع شاعر سعی بر حماسه سرایی داشته اما نه به قوت و سختگی حماسه‌های همعصر یا پیشین. می‌توان گفت نوعی طبع آزمایی به حساب می‌آید محتوای اثر، شرح لشکرکشی حسام‌الملک حاکم و والی دست‌نشانده ناصرالدین شاه در اواخر قرن سیزدهم هجری با احمدوند چلبی طایفه‌ای از کردهای هم‌اوند یا هموند ساکن کرمانشاه است که پس از پیروزی حسام‌الملک و کشت و کشتار آنها با اجازه خود حسام‌الملک از سوی الهامی سروده شد به شرط اینکه در آن از اغراق گویی‌های بیش از حد شاعرانه و موارد الحاقی پرهیز شود و چیزی خارج از گزارش روزانه حسام‌الملک از جنگ نباشد. برای شناخت بیشتر منظومه بهتر آنست که بدانیم حسام‌الملک که بوده و چگونه به والیگری کرمانشاه رسید [14].

## ۵. حسام‌الملک و والیگری کرمانشاه

حسین خان حسام‌الملک (در گذشته: صفر ۱۳۰۷ هـ ق) از خوانین قراقرزولوی همدان، نوه دختری فتحعلی‌شاه و حاکم کرمانشاه و کردستان بود. حسین خان پسر سرتیپ علی‌خان نصرت‌الملک قراقرزولو و زبیده خانم دختر عارف و شاعر

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فتحعلی شاه قاجار بود. حسین خان در ذی القعدة سال ۱۲۹۸ هـ. ق. نشان و حمایل امیر تومانی گرفت. در سال ۱۳۰۱ هـ. ق. از جانب مسعود میرزا ضل السلطان پسر ناصرالدین شاه قاجار که حکومت نیمی از ایران را داشت، نایب الحکومه کرمانشاه شد. در سال ۱۳۰۵ هـ. ق. ناصرالدین شاه یک شبه ظل السلطان را از تمام مناصبش، جز حکومت اصفهان، خلع کرد. پس از آن حسام الملک از طرف شاه مستقلاً حاکم کرمانشاه شد و حکومت کردستان نیز به او تعلق گرفت. او در صفر ۱۳۰۷ هـ. ق. در حالی که همچنان حاکم کرمانشاه بود، در آن شهر درگذشت [1].

## ۶. هموندها و احمد وند چلبی

هماوند یا هموند از ایلات بزرگ کُرد هستند که بخشی از آنها در ایران در مناطق کرمانشاه، سردشت و ارومیه و تعدادی دیگر در عراق و لبنان ساکن هستند. در دوره حکمرانی ناصرالدین شاه قاجار برای سرکوبی هموندها که قومی سرکش تلقی می شدند، حسام الملک برای سرکوبی آنها از طرف حکومت وقت گسیل شد. شرح ماجرای سرکوبی هموندها توسط الهامی شاعر در قالب مثنوی، به شیوه منظومه در ۲۵۰۰ بیت محتوای این منظومه منطبق با دفتر گزارش روزانه حسام الملک حاکم کرمانشاه در دوره ناصرالدین شاه قاجار پیش از مشروطه است و از این جنبه که متن مربوط به شاعری کُرد زبان در غرب کشور و در دوره بی رونقی منظومه سرایی است بسیار حائز اهمیت است. این منظومه شرح وقایع سرکوبی «هماوند»ها یا همان «احمد وند چلبی» توسط حسام الملک است. اهمیت این منظومه جدا از جنبه ادبی و پیروی شاعر از سبک شاهنامه، به عنوان یک منبع تاریخی از دوره قاجار حائز اهمیت است و از سویی دیگر چون یکی از رویدادهای منطقه ای و محلی را بازگو می کند، می تواند مرجع مهمی در تدوین تاریخ محلی یکی از ایلات بزرگ کرمانشاه محسوب شود.

ژاک دومرگان مستشرق فرانسوی در یادداشت های سفر ۱۸ مارس ۱۸۹۱ خود در مورد واقعه سرکوب جوانمیر هماوند خود چنین آورده است: (... بر تپه ای و قصری در اطراف آنها برج هایی است که دوازده سال پیش توسط یک رئیس کُرد به نام جوانمیر ساخته شده که با زانش در آن می زیسته است و مخصوصاً بیشتر مسؤلیت زواری را که به کربلا می رفته اند؛ به عهده داشته است. بعدها به سردار حسام الملک پدر میرپنج حسام الملک حاکم کرمانشاهان دستور داده شد که رئیس راهزنان را به کارش خاتمه دهند. حسام الملک به نزدیک قصر آمده و اردو می زند و در قبال رئیس کُرد، به دوستی شدیدی تظاهر کرده وی را به چادر خود دعوت می نماید. جوانمیر بدان جا می رود؛ اما هنوز وارد نشده او را گرفته و سرش را می برند، قصر تا چند روز مقاومت کرده زن ها با تفنگ از خود دفاع کرده و شمار زیادی از سربازان ایرانی را کشتند. سرانجام آنها را به گلوله های توپی که دیوارها را سوراخ می کردند؛ سپردند. هیجده افسر عمده جوانمیر کشته شدند و نوزده [شش سر] سر، گاه چپان شده به تهران [اصفهان] ارسال گردید. این اعدام ها در [۱۳۰۴ ق] (۱۸۸۸ م.) انجام گرفتند. جوانمیر سنی بود، وی از طرف شاهزاده ظل السلطان که در آن موقع حاکم همه این نواحی بود و سه هزار نفر تحت امر او را حفظ می کردند و به این منصب گماشته شده بود... [6].

## ۷. مختصری درباره نوع ادبی حماسه

یکی از مسایل عمده ای که ناقدان اروپایی از قدیم به آن توجه داشته اند و از خلال فن شعر ارسطو و آثار مشابه آن می توان دریافت، تقسیم بندی آثار ادبی است. توجه به صورت و تقسیم بندی آثار ادبی از رهگذر فرم و شکل، نقص عمده ای در سنت

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شعری ما به وجود آورده است و آن فراهم آوردن دیوان‌های شاعران ماست بر اساس قصیده، غزل، رباعی و... و آنگاه تقسیم‌بندی قوالب به ترتیب حروف تهجی. اولویت دادن به تقسیم‌بندی با رعایت شکل ظاهری و ترتیب حروف الفبا و دخل و تصرف در تصحیح نسخ خطی از این حیث باعث شده‌است مشکلات جبران‌ناپذیری در مسیر شناخت بهتر تاریخ و شأن نزول اشعار پیش آید. برای مثال تقدم و تأخر غزل‌های حافظ را نمی‌توان بر اساس دیوان‌های چاپ شده عصر حاضر سنجید و صد البته مطالعه در جوانب روحی و معنوی شاعران نیز با دشواری‌های بیشتری رو به رو شده‌است [10].

«حماسه» یا Epic در لغت از واژه «حمس»؛ به معنای «دلیری و شجاعت» است [5] و در اصطلاح، شعر بلند روایی است، در باره رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخار آمیز در جهان باستانی یک ملت [15] (مختاری، ۱۳۶۸: ۲۱) که می‌تواند اعمال قهرمانی یک فرد یا یک ملت باشد [12]. در حماسه است که ما می‌توانیم تصویر ایجاد تمدن یک ملت را مشاهده کنیم [9].

حماسه از دیرباز از دنیای باستان از اولین انواع ادبی است که در بین مردم رواج داشته و چه بسا بازگوکننده تمدن‌های بشری است. «این واقعیت درست است که این نوع حماسه‌سرایی قرون ۵ و ۶ هجری به تدریج از رونق افتاد تا حماسه‌های تاریخی و دینی رنگ و بوی بیشتری به خود گیرد و زمینه حماسه‌های تاریخی را تاریخ و وقایع تاریخی بسازد. در قرن سیزدهم و در عصر قاجار، آثاری چون شهنشاها نامه صباي کاشانی، قیصرنامه ادیب پیشاوری و ابیات حماسی پراکنده‌ای از حکیم هیدجی و ادیب الممالک فراهانی در قالب حماسه‌های تاریخی شکل گرفت» [3]. اما در لابه‌لای چنین نمونه‌هایی منظومه‌های کوچک و کم‌حجمی چون الهامی نیز به سبک و سیاق و وزن حماسه‌سرایی فردوسی سروده شده‌اند که با مطالعه و تدقیق در آن می‌توان دریافت این اثر از سه جنبه حماسی، تاریخی و مذهبی قابل بحث و بررسی است. برای نمونه در بحث ستایش و تحمیدیه به نوآوری پرداخته و با تکیه بر باورهای دینی زمان خویش بخش آغازین کتاب را سروده است. اگر در شاهنامه تحمیدیه به نام خداوند جان و خرد آغاز می‌شود بعد از حمد و ستایش خدا به نعت پیامبر و سپس خلفای راشدین پرداخته و بعد از آن به سبب نظم کتاب و... پرداخته بالعکس در فتحنامه به دلیل تفاوت اعتقادی و فاصله زمانی این دو اثر، خواننده پس از حمد خدا بجز پیامبر، خلیفه چهارم، آل عبا و امام زمان اثری از مدح خلفای راشدین نمی‌بیند.

حمد و ستایش پروردگار و احصاء نام‌های او و ذکر صفات ذاتی، افعالی و تنزیهی خداوند، از جایگاه والایی برخوردار است و سایر بخش‌های زیر مجموعه آن نیز؛ همچون ستایش پیامبر(ص)، امام علی(ع) و حسین(ع)، حضرت زهرا، امام مهدی(عج) و سایر ممدوحان معاصر شاعر یادآور سنت دیرینه تحمیدیه سرایی در منظومه‌ها و متون حماسی و غنایی است. اگر ستایش، نعت، منقبت و مدح را از زیر مجموعه‌های تحمیدیه بدانیم نکته قابل توجه در منظومه فتحنامه الهامی شاعر این است که شاعر خود معتقد به تقسیم‌بندی خاصی بوده برای نمونه برای ستایش حضرت رسول(ص) اصطلاح نعت را و برای حضرت علی(ع) اصطلاح منقبت و برای حضرت زهرا اصطلاح مدح را به کار می‌بندد در حالی که محتوای همه بر پایه وصف و مدح است. فقط در بخش ستایش پروردگار با بسم‌اله الرحمن الرحیم آغاز می‌کند سپس با ابیاتی از این دست به ستایش پروردگار می‌پردازد:

بنام برآرنده آرزو  
به هر سو که بینی همه اوستی  
گشایش ازویست در کارها  
همه کبریائی سزاوار اوست  
که خالی نباشد ازو هیچ سو  
خداوند هر سوی و بی‌سوستی  
دهد او سزای سزاوارها  
هر آنچه آن به وهم آوری کار اوست...

[8]

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

این تحمیدیه در ۱۹ بیت آغازگر منظومهٔ فتحنامهٔ حسام‌الملک الهامی شاعر است و ضمن ستایش پروردگار، از لحاظ محتوایی حکم براعت استهلال را دارد چرا که از همان آغاز به داوری پروردگار نسبت به بدکاران اشاره می‌کند و گویی به زبان ادبی اعلام می‌دارد که کشتار هموندها حکم و قدر الهی بوده و پسندیده است:

ازو داوران را بود سروری هم او می‌کند با بدان داوری  
[8]

زهی مهربان داور دادگر که هم پرده‌دار است و هم پرده‌در  
[8]

در ادامه خدا را به بی‌نظیری و بزرگی وصف می‌کند و در نهایت با بیت پایانی که در واقع شبیه به بیت مخلص قصیده عمل کرده طوری که از ستایش پروردگار به ستایش رسول گریز زده بعد عنوان را تغییر داده به نعت رسول می‌پردازد:

یکی را شکوه بزرگی دهد بسر افسر شهر یاری نهد  
یکی را بپوشد پلاس سیاه دهد مالش و نالش و اشک و آه  
ندارد معین و شریک و نظیر نه یار و نه پیوند و نی دستگیر  
چو خود را شبیه و نظیری ندید رسولی چو خود بی‌نظیر آفرید  
[8]

پرستش یکی از اساسی‌ترین گرایش‌های باارزش انسان است و تصور انسان‌ها این بوده که با نیایش کردن و قربانی و خواندن ذکرها و انجام مراسم آیینی می‌توانسته‌اند به خواسته‌هایشان دست یابند. خاستگاه نیایش در درون و سرشت انسان است، از این رو هیچ‌گاه از وی جدا نبوده و در میان تمام فرهنگ‌های بشری نمود و ظهور یافته است. ارتباط انسان با خداوند یکی از قوی‌ترین نقاط مشترک در تمام ادیان بزرگ جهان است. بسیاری از کهن‌ترین آثار باقیماندهٔ بشر، مانند: وداها، اوستا، اوپانیشاد، گائاها و... مجموعی از سرودهای مذهبی هستند که بسیاری از آن‌ها در آثار حماسی ظهور یافته است. مناسک مذهبی نه تنها بخش مهمی از مذهب بلکه بخشی از نظام اجتماعی بوده‌اند؛ دومیل معتقد بر این بود که هر تمدن و مذهبی، کتب مقدس و اساطیری خاص خود را دارد و اگر اقوام هندواروپایی زبان مشترکی داشته‌اند می‌بایست در اعتقاداتشان هم اشتراک وجود داشته باشد و از همین طریق یافته‌های ارزنده‌ای را در خصوص اشتراک اعتقادات ایرانیان باستان، هند باستان و دیگر اقوام هندواروپایی ارائه نمود [4].

## ۸. در نعت حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم

محمد (ص) که بر لامکان زد درفش بسائید بر تارک عرشش کفش  
کجا فکر ما می‌تواند شناخت شهی را که با موزه بر عرشش تاخت  
[8]

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در نعت حضرت رسول به معراج پیامبر، و معجزه شق کردن ماه به اشاره انگشت او اشاره می‌کند در ۱۲ بیت به اختصار به نعت و ستایش پیامبر می‌پردازد و معتقد است راه شناخت خدا از رسول است و به حدیث لولاک و اینکه پیامبر فرموده‌اند:

خود او گفت: هر کس ببیند مرا بدیده است حق را بچشم سرا  
[8]

او یادآور می‌شود که پیامبر(ص) خواجه لولاک است و هیچ جفت و همالی برای او نیست الا علی(ع) همسر و جفت دخترش فاطمه(ع). شاعر:

ز ایمای انگشت او نی شگفت که مه در فلک شکل جوزا گرفت  
[8]

...جهانبان خداوند لولاک تاج کزو یافت یزدان شناسی رواج...  
[8]

نبد جفتش از آشکار و نهفت مگر آنکه با دخترش بود جفت  
[8]

همانطور که قبلاً هم دیدیم شاعر مطابق با سبک شخصی خویش آخرین بیت نعت دوم را مخلصی برای رهایی از این قسمت و ورود به نعت جدید به اتمام می‌رساند. در آخرین بیت اذعان می‌دارد که تنها کسی که همال و جفت حضرت رسول است کسی نیست الا آنکه همسر حضرت فاطمه دختر پیامبر(ص) است یعنی حضرت علی(ع) و آنگاه در منقبت حضرت شاه اولیاء صلوٰه الله و سلامه علیه ۱۲ می‌سراید:

علی دست با نیرو دادگر که با وی پدید آورد خیر و شر  
بدو داد تابش خورشید و ماه و زو گشت پیدا سپید و سیاه  
فروغ ازل پرتو چهر اوست دل اهل دل روشن از مهر اوست  
دلش معدن و کنج علم خدای سراپایش آئینه حق نمای  
[8]

مدح را تا به جایی اغراق آمیز می‌کند که جبرئیل امین را در مکتب امام علی(ع) نوآموز می‌داند و نفسش را مسیح‌آفرین می‌خواند:

نوآموز او جبرئیل امین دم روح بخشش مسیح‌آفرین  
ز اولاد آدم ولای آدمش پرستنده زنده جان از دمش  
دل و دیده و دستیار رسول دم ذوالفقارش حصار رسول  
زهی شیر و شمشیر پروردگار که شد باره دین از او استوار  
[8]

اغراق را ازین هم فراتر برده و ادعا می‌کند که اگر شمع وجود علی(ع) نبود نشانی از دین اسلام هم وجود نداشت و یا در بیت بعدی اغراق آمیزتر نیز مل کرده و علو علی(ع) را تا به جایی رسانده که دست خدا به هرآنجا که در فکر نیز نمی‌گنجد رسیده باشد، علی آنجا پا گذاشته و بت شکن بوده. به عبارت دیگر می‌توان گفت شدت علاقه او به اهل بیت امور خدا پرستی را بر او مشتبه کرده و وحدت را در تمامی شخصیت‌های گفته شده جلوه‌گر می‌بیند:

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اگر شمع جانسوز حیدر نبود  
بجایی که یزدان بدان سود دست  
علی را ندانی که چون است و چیست  
خدا داند و ابن عمش رسول

نشانی ز دین پیمبر نبود  
علی سود پای و بتانرا شکست  
مکن رنج خود را که کار تو نیست  
وزان پس همایون همالش بتول

[8]

در آخرین بیت باز وقتی می‌خواهد مدح شخصیت دینی دیگر را از اهل بیت رسول آغاز کند مقدمه‌چینی می‌کند و با نوآوری شگفت‌انگیزی هنجار شکنی کرده و بیت «شبه تخلصی» را در قالب مثنوی که مطلقاً مرسوم هم نیست آورده و از بتول یاد می‌کند و بعد ۱۳ بیت در مدح صدیقه کبری حضرت زهرا سلام الله علیها می‌آورد:

سرافراز بانوی اهل بهشت  
بایوان وحدت یکی پردگی  
از آن دم که او را خدای آفرید  
غبار رهش سرمه حور بود  
جز آن دختر شهسوار براق  
کرا می‌رسد با علی (ع) همسری  
چو از سایه‌اش خواستم برد نام  
زهی شرم ازین گفته ناصواب  
خرد کی بدانکس تواند رسید  
چه مدحش کنم من که او را سزد  
چنان عصمتش بسته راه حواس  
سمند سخن مانده از پویه لنگ  
همان به کزین آرزو بگذریم

که ایزد مر او را ز عصمت سرشت  
که بد مریمش کهنترین بردگی  
بجز دیده‌ایزدش کس ندید  
زهر دیده پیوسته مستور بود  
که جفتش نبد زیر این هفت طاق  
زهی سرفرازی زهی برتری  
خرد گفت: رو آفتابش بنام  
کجا سایه او، کجا آفتاب  
که او سایه و آفتاب آفرید  
که از مدحتش عاجز آید خرد  
که نبود خرد را مجال سپاس  
گذرگاه شک است و ره پر ز سنگ  
به نوباوگانش درود آوریم

[8]

در مدیحه ملایم و زیبا وصف حضرت فاطمه را به پایان برده و با رعایت مراتب سروری از خدا، رسول، علی، فاطمه، به مدح نوه‌های عزیز حضرت رسول که نوباوگان فاطمه (ع) بودند می‌پردازد و بعد از آن عاشقانه و به ترتیب به نعت دیگر امامان شیعه می‌پردازد:

نخستین حسن (ع) خسرو خافقین  
دو شاه سرافراز فرخنده نام  
یکی طوطی سبزیپوش حجاز  
که هم نام بد با نیایش علی (ع)  
دگر چارمین خسرو راستین  
دگر پنجمین گنج علم خدای  
شه راستین باقر (ع) تاجور  
دو دیگر جهان‌داور راستگوی

سپس شاه ملک شهادت حسین (ع)  
دو ریحانه باغ خیرالانام  
یکی ساعد عشق را شاهباز  
به دین پیشوا بود و حق را ولی  
جهان شرف سیدالسادین (ع)  
که بد اهل دین را بحق رهنمای  
که بدحجت حق بجای پدر  
امام ششم صادق (ع) پاکخوی



# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وزو شد عیان مذهب جعفری  
که آرد ملک بر حریمش سجود  
بر قبه‌اش عرش چون فرش پست  
شه دین؛ علی بن موسی الرضا(ع)  
مه چرخ اجلال شمس‌الشموس  
امام نهم خسرو دین تقی(ع)  
محیط کرم پادشاه جواد(ع)  
علی نقی(ع) هادی مؤمنین  
پر جبرئیلش بدرگاه فرش  
سپهدار جیش خدا عسگری(ع)  
که نامش حسن(ع) بود و خلقش حسن  
[8]

که بودش به اورنگ دین سروری  
دگر هفتمین شاه ملک وجود  
سرافراز موسی کاظم(ع) که هست  
دگر کارفرمای ملک قضا  
همایون جهان‌داور ملک طوس  
دگر شاه هر مؤمن متقی  
بلند اختر آسمان رشاد  
دگر رهنمای دهم شاه دین  
که قبرش بود نور قنديل عرش  
دگر گوهر گنج پیغمبری  
شهنشاه نیک اختر ممتحن

پس از نعت ائمه به وصف و نعت امام‌زمان مهدی(عج) می‌پردازد و با توجه به روایات و باورهایی که از آمدن او در افواه است دوره و عصر وی را دوره شادی و سرور و زدودن گرد ستم از چهره جهان می‌داند:

جهان پرفروغ است و دین تازه رو  
جنابش جهان را نگهبان بود  
که بد جد او ختم پیغمبران  
خلیفه به جای نیاکان همه  
نوازننده پیروان رسول  
پس از دادگر بر همه ماسوا  
به امرش نظام جهانراست حصر  
به پیمان او پاک یزدان به بست  
که مؤمن‌نواز است و دجال‌کش  
رسول یهودان کهین چاکرش  
بیابد برآرد پرنده از نیام  
بسوزد کجا زشت خوئی بود  
دهد دین پاک نیا را رواج  
نماند بجا نامی از رنج و غم  
زمان سرور است و گاه نشاط  
[8]

دگر بدر چرخ ولایت کزو  
چو یزدان ز هر دیده پنهان بود  
بدو گشت ختم ولایت چنان  
فروزان از او نور پاکان همه  
برازنده فر شوی بتول  
کنون اوست دارای فرمان روا  
امام زمان است و سلطان عصر  
سر آفرینش ز بالا و پست  
زهی پاک دارای با فر و هُش  
خدای نصارا سرلشکرش  
اگر مانده روزی به روز قیام  
کشد هر کجا فتنه جوئی بود  
نهد بر سر از فر دادار تاج  
جهان را بشوید ز گرد ستم  
بود دور او دوره انبساط

در نهایت به شیوه مدایح پیشین با حسن ختامی و بیت تخلصی به اتمام رسانده و پیش زمینه مدح بعدی را فراهم می‌سازد به این شیوه که مدح در مدح می‌سازد و دوره پادشاه وقت را تشبیه می‌کند به دوره‌ای که قرار است بیاید و هنوز

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نیامده یعنی دوره امام مهدی(ع) و اعتراف می کند که دوره ممدوحش گویی یادگاری از دوره امام زمان است و ایران زمین پر از خرمی و سرسبزی گشته است:

تو گوئی که این عهد و این روزگار  
از آن دوره خوش بود یادگار  
که از عدل سلطان با داد و دین  
پر از خرمی گشته ایران زمین  
[8]

در ستایش اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جمجاه خلدالله سلطانه ۱۶ بیت سروده به شیوه‌ای که صفت‌هایی چون بدخواهسوز، ظل الله یا سایه خدا، تاجدار، طرازنده چتر و خرگاه و... وصف می کند و مبنای وصفش بیشتر بر دادگری و خرمی ایران در عصر شاه خلاصه می شود. قدر و پایگاه او را نهم آسمان می داند چیزی فراتر از زعم مشهور که ۷ طبقه است. از سویی جهان را با همه شکوهش بال بگشوده در سایه ناصرالدین شاه می بیند. این نوع وصف‌های اغراق آمیز جزو ویژگی‌های سبکی الهامی محسوب می شود:

شهنشاه پیروز فرخنده روز  
که خاک پیش تاج شاهان بود  
فروغ بهی از رخش آشکار  
نهم آسمان کمترین پایه اش  
بدورانش از مرز ایران زمین  
از او کار دید نبی گشت راست  
پلنگ ستم کننده ناب از دهان  
جهان را از او فر و آرایش است  
کنون می باید چمیم و چریم  
ملک ناصرالدین خدیو عجم  
از آندم که ایزد جهان آفرید  
دلش مخزن مهر آل رسول  
چو در اینجهان کرد شاهش خدای  
چو من بنده خاندان دانش  
جهان تا جهان است، او شاه باد  
چو آغازش؛ انجام، محمود باد  
ملک ناصرالدین بدخواه سوز  
شهنشاه زرین کلاهان بود  
بتخت شهی سایه کردگار  
جهان بال بگشوده در سایه اش  
گیاهی نروید بجز داد و دین  
تن داد فربه، تن ظلم کاست  
چو سیمرغ ظلم از زمانه نهان  
که بنگاه آرام و آسایش است  
سپاس ملک را بجای آوریم  
که نازد بدوگاه و دیهیم جم  
جهان اینچنین تاجداری ندید  
ازو شادمان شوی فرخ بتول  
هم او شاه باشد بدیگر سرای  
از آن شاه هر دو جهان خوانمش  
طرازنده چتر و خرگاه باد  
رخش تازه از شاه مسعود باد  
[8]

باستان‌گرایی یا آرکایزم یکی از آرایه‌های ادبی که پس از وزن و قافیه، بیشترین تأثیر را به شیوه‌های مختلف واژگانی و نحوی بر شعر داشته، مثلاً استعمال الفاظ یا اسامی باستانی که در زبان روزمره و عادی به کار نمی‌روند. این که زبان شعر همیشه زبانی ممتاز از زبان کوچه و بازار بوده است، یکی از علل آن همین اصل باستان‌گرایی است. احیای واژه‌هایی که در دسترس عامه نیست سبب تشخیص زبان می شود. همچنین آگ ساخت نحوی کهنته زبان، جانشین ساخت نحوی معمولی و روزمره شود خود از عوامل تشخیص زبان است [11].

در ستایش شاهنشاهزاده اعظم افخم یمین‌الدوله و ظل‌السلطان دام ظلّه ستایشی دیگر می‌سراید اما این بار برای توصیف، آنها را با شاهان پیشدادی، کیانی، ساسانی، اشکانی و دیگر شاهان شاهنامه مقایسه می کند و صد البته ممدوحان

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خویش را به مراتب از هر لحاظ از شاهان گذشته ایران برتر و بالاتر می‌داند. از جمله پادشاهانی که در مقام مقایسه با ممدوح از تلمیح به نام و سرگذشت آنها بهره برده است عبارتند از جمشید، منوچهر، فریدون، کاوس، سیاوخش، کیخسرو، توس، لهراسب، گشتاسب، رویین تن (اسفندیار)، بهمن، تهمن، سکندر، افراسیاب، بهرام گور، بابکان، اردشیر، نوشیروان، پرویز و در نهایت نام فردوسی را ذکر می‌کند که این خود مؤید این است که مطالعاتی در زمینه محتویات شاهنامه داشته است و برای اظهار فضل از اطلاعات خویش در جهت مدح ناصرالدین شاه و پسرش به نحو احسن بهره برده است تا جایی که می‌گوید بجز ناصرالدین شاه هیچ کدام از شاهان پسری چون یمین‌الدوله نداشته‌اند:

شده زیر لعل و زبرجد نهان جهان  
بود سایه چتر او در سپهر  
پناه مهان است و پشت سپاه  
تو گوئی که ماند شهنشاه را  
چو این شه کجا رشک خورشید بود  
چنو کی گشاده برو چهر بود  
زدی بوسه بر خاک جم در برش  
فریدون حسین و منوچهر چهر  
تو گوئی زند شاه کاوس کوس  
نبوده است و کیخسرو تاجور  
به لشکر گهش همچو جاسوس بود  
بدندی چنو زیور تاج و گاه  
تن او یار جادو و اهریمن است  
سکندر سپاه است و دارا گروه  
زدی بوسه او را به‌ران و رکاب  
چو در پیش شیر دژ آگاه کور  
کجا همچو او بود شمشیرگیر  
ازو گر بدی این زمان بازوان  
برش بنده خوار و ناچیز بود  
نه نیز از کیان و نه اشکانیان  
چو این پور شاهی نبودش پسر  
همانا ازین شاه آورده یاد:  
پی تخت او تاج پروین بود  
از ایران زمین نیمی او را بداد  
ز دادش نه بیمی جز آباد بوم  
سپاهان مهین شهر ایران بود  
نیازش نباشد بخیل و سپاه

یمین ملک کز یسارش جهان  
جهان را شرف ظل السلطان که مهر  
چو خلد است از داد او ملک شاه  
طرازد چو از فر خود گاه را  
شه شهریاران که جمشید بود  
مه خسروان کان منوچهر بود  
پگاه از بدیدی ابا افسرش  
بسودی ابر پیشگاهش چو مهر  
زند کوس چون گاه بانگ خروس  
سیاوخش چون او به رای و هنر  
اگر زنده تا این زمان طوس بود  
نه لهراسب شاه و نه گشتاسب شاه  
به مردی چو روئین تن و بهمن است  
تهمن نبرد است و دستان شکوه  
بدیدی [سوارش] گر افراسیاب  
بدی پیش او شاه بهرام گور  
شه بابکان شیردل اردشیر  
بیاموختی داد نوشیروان  
درین دوره‌گر زنده پرویز بود  
نه از پیشدادی نه ساسانیان  
بجز ناصرالدین شه تاجور  
درین بیت فردوسی پاکزاد  
کسی که اش پدر ناصرالدین بود  
چو دیدش پدر پخته در دین و داد  
از اصطخر اکنون همی تا به روم  
چو تختش طراز سپاهان بود  
به پیکار بدخواه این پور شاه

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اگر خواهد این میر گردون غلام  
جوان است در بحث و در رای پیر  
همه مهتران جهان کهترش  
بگیرد جهان را به پیک و پیام  
به شاهی کند کار صد تن وزیر  
نماز آور گوشه افسرش  
[8]

در ادامه با ترتیب شاعرانه‌ای ضمن زمینه‌سازی برای شروع داستان (جنگ حسام‌الملک با هدف سرکوبی احمدوند چلبی و ایل هموند به ستایش حسام‌الملک حکمران کرمانشاه می‌پردازد که در اینجا به آوردن چند بیت در مدح وی اکتفا می‌شود شاعر همچنان به اغراق گویی و بزرگنمایی می‌پردازد و مدح حکمران را تا به جایی می‌رساند که می‌گوید فلک پیش پای حسام‌الملک زمین را بوسه می‌دهد این:

از آنان بود مهتری سرفراز  
نگهدار ملک و حسام ملک  
که او راست در مهتری امتیاز  
که بوسد زمین پیش نامش فلک  
[8]

به تدبیر زال است و نیروی سام  
کند کلک او کار بران حسام  
[8]

باز تلمیح به داستان قهرمانان شاهنامه دارد و ممدوح را در تدبیر و نیروی تن به سام و زال پیوند می‌دهد. همانطور که گفته شد از بخش مدح به اصل داستان و قضیه مأموریت یافتن حسام‌الملک برای سرکوبی هموندها

گریز می‌زند:

از آندم که بر حکمرانی نشست  
ز کار هموند و سالارشان  
سزد گر کند ژرف اندیشه محو  
بدی سالها کاین جفا جو گروه  
نبد غیر خون ریختن کارشان  
بتاراج داده بسی کاروان  
ز سر حد ایران و از مرز روم  
ز شاه و ز شهزاده بی نظیر  
برفت و به یک حمله جان شکار  
ز بنگاه ایشان برآورد دود  
یکی نامه سازم ازین داستان  
بسا در که از فتنه بر ملک بست  
جوانمیر آن بدرگ بدنشان  
هنرها که میر اندران کار کرد  
پراکنده بودند در دشت و کوه  
همه قتل زوار هنجارشان  
بسی جوی خون کرده هر سو روان  
نمودند ویران بس آباد بوم  
بدین کار شد نامزد این امیر  
برآورد از آن دیوساران دمار  
تو گفتمی که آن قوم هرگز نبود  
به آئین گوینده باستان  
[8]

الهامی به اعتراف خودش تأیید و تأکید می‌کند که خواسته است تا به سبک و سیاق گوینده باستان یعنی فردوسی که داستان‌های باستانی را در قالب مثنوی در بحر متقارب سروده، به نظم بکشد:

زنم چتر این نامه را بر بماه  
الا تا جهانست و اهل جهان  
بنام همایون مسعود شاه  
الا تا زمین است و تا آسمان

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بماند مهین مهر ناورد خواه بسر سایه شاه و فرزند شاه

[8]

در بخش‌های پایانی منظومه نیز شاید بتوان گفت به رسم نظامی شاعر قرن ششم، با مناجات و ستایش و شکر ایزد منظومه را الهه از زبان امیر قلعه گشای به پایان می‌برد و درخواست می‌کند که خدا رسولش را از او شادمان گرداند و همچنین امام علی(ع)، نیز بضعه ناشاد (فاطمه) علیه‌السلام را و نیز دو نوه شهید او یعنی حسن و حسین را از او شاد کند که با شمشیر او دشمن زائران کربلا از پای درآمد:

کن ای مهربان داور غیب‌دان	رسول خدا را ز من شادمان
همان شیر دادار داماد او	همان بضعه پاک ناشاد او
دو سبط شهیدش حسین و حسن(ع)	شهیدان آن شاه گلگون کفن
که این دشمن زائران امام	ز شمشیر من گشت عمرش تمام

[8]

به جان حکمران حسام‌الملک دعا می‌کند تا خدا او را حفظ دارد با دعا و نیایش‌های دیگری این بار از زبان خویش ادامه می‌دهد و پیشگویی می‌کند که بعد از او خوانندگان منظومه برای او رحمت می‌فرستند از پروردگار می‌خواهد او را خاک کربلای حسین(ع) کند و هر کسی هم که این آرزو را دارد اجابت فرماید. ختم کلام اینکه به لفظ سعادت سخنش را به نام ۱۲ امام شیعیان به اتمام می‌رساند:

حسام ملک نیز در ظل شاه	بماناد بر مسند عزو جاه
ز من ماند این نامه نامدار	بنامش همی در جهان یادگار
باقبال دارای گیتی فروز	بدی اول و آخرش پنج روز
هزار و سه صد سال و نه ماه تام	شد از هجرت پاک خیرالانام
که گفتم من این نامه دلپذیر	بنام همایون نامی امیر
نمانم من و ماند این نامه‌ام	که بنگاشته دُرفشان خامه‌ام
ز خوانندگان دارم این آرزو	که در ذکر این نامه نام جو
فرستند بر جان پاکم درود	درودی که از عرش آید فرود
خدایا مفرما مرا شرمسار	ز پیغمبر و آل آن تاجدار
تنم را بشاهنشاه خافقین	بکن خاک در کربلای حسین
هر آن کس که دارد همین آرزو	روا کن ز رحمت تو امید او
سخن را ز چهر ده و دو امام	بلفظ سعادت نمودم تمام

الحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً

[8]

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## ۹. نتیجه‌گیری

با بررسی تحمیدیه در منظومهٔ فتحنامهٔ حسام‌الملک به این نتیجه می‌رسیم که اولاً بخش آغازین که به حمد و ستایش پروردگار پرداخته از لحاظ ساختا و محتوا با سایر تحمیدیه‌های ادب فارسی اشتراکاتی دارد اما از شروع نعت رسول(ص) تا نعت و منقبت امام علی(ع)، فاطمه(ع) و بقیه امامان تا مهدی(ع) و سپس ممدوحان دیگر اعم از پادشاه وقت(ناصرالدین شاه تا وزیر و وزرا و حکمران محلی(حسام الملک) کلاً به دلیل اختلاف مذهب با اهل تسنن و نیز محتوای منظومه که سرکوبی یکی از طوایف کُرد سنی(ایل هموند) ضمن ستایش اهل بیت هیچ اثری از ستایش یا ذمهم خلفای راشدین یا التفاتی به مذهب سرکوب شدگان دیده نمی‌شود و از دیگر سو در بخش نوع دوم ستایش یعنی مدح ممدوحان از سلاطین و وزرا ما با انبوهی از نام سلاطین گذشته‌های دور چون جمشید، فریدون، منوچهر، کیکاوس و... مواجه می‌شویم که در واقع به نوعی آرکائیس‌گرایی در این منظومه را بیان می‌کند. منظومه با همه رشادتهایی که از حسام‌الملک تعریف می‌کند و همهٔ زیبایی‌هایی که در در جای جای آن از آغاز تا انجام از ستایش، مناجات، منقبت، تحمیدیه و مدح دیده می‌شود و تصور می‌شود که از گذشت و رأفت بیشتری سخن به میان رفته باشد اما با وجود این تحمیدیه‌ها که هر کدام نشان از نوع دوستی پرستش خدا و رسوم و دوستداری اهل و بیت و ائمه است دریغا قتل و خونریزی و بریدن سر مردان یک ایل و و غارت اموال، زنان و بچه‌ها و بازماندگان مصیبت‌دیده و آوارگی و کوچاندن آن‌ها را به دنبال خود آورده‌است. شاید بی‌جا نباشد که چنین داستان غم‌انگیزی که مبنای آن حيله و ترفند است با گذشت نزدیک به دو قرن از پایگاه انسانی والایی برخوردار نیست. تحمیدیه و طلب استغفار و مناجات هنگامی بردل می‌نشیند و در اثری ماندگار و در افواه مردم مکرر می‌ماند که روح را جلا داده و غبار کدورت و کینه‌ها را از دل‌ها بزدايد تا مشمول رحمت حق و خلق گردد. امیداست با آوردن نام الهامی‌انگونه که خود آرزو کرده است با رحمت فرستادن مردم همراه باشد.

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## منابع:

۱. اذکایی، پرویز، فراگوزلوهای همدان خاندان امیر افخم شورینی (بخش سوم). آینده، سال چهاردهم، شهریور تا آبان ۱۳۶۷، شماره ۶-۸.
۲. انسانی، علی، شاهنامه چهار خیابان باغ فردوس روایتی منظوم از قیام حضرت سیدالشهدا، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، ۱۳۹۴.
۳. بیاتی، نرگس، پایاننامه کارشناسی ارشد: حماسه سرایی در عصر قاجار با تکیه بر حماسه‌های تاریخی، استاد راهنما: محمد رضا نجاریان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد، ۱۳۹۴.
۴. ذکرگو، امیر حسین. (۱۳۷۷)، اسرار اساطیر هند، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷۷.
۵. زمخسری، محمود بن عمر، مقدمه الأدب، چاپ اول، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶.
۶. زنگنه، امیرحسین، مقاله برگرفته از کتاب شهریارا کُرد در وبلاگ فرامرز خسروی، (بی‌تا).
۷. ستوده، غلامرضا و نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر؛ تحمیدیه در ادب فارسی، واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۹.
۸. سلطانی، محمدعلی، مسعودنامه (یا) فتح‌نامه حسام‌الملک به انضمام محاربات ملک نیاز خان کردی با هم‌اوندان در واقعه جوانمیر چلبی، انتشارات سپا، تهران، ۱۳۸۴، صفحات ۷۸-۱.
۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲)، انواع ادبی و شعر فارسی، فصلنامه خرد و کوشش، پژوهشگاه علوم انسانی و ارتباط فرهنگی، تهران، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۵۲.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا، انواع ادبی و شعر فارسی، خرد و کوشش، دوره چهارم، دفتر سوم، شماره ۱۱۹، ۱۳۵۲، صفحه ۹۶.
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، چاپ ششم، انتشارات آگه، تهران، ۱۳۸۴، صفحه ۲۴.
۱۲. صفا، ذبیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران، چاپ ششم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹.
۱۳. کرمی، محمدحسین و آذرمان، حشمت‌الله؛ بررسی تطبیقی تحمیدیه‌های چهار لیلی و مجنون (نظام، امیر خسرو ۱۳. دهلوی، جامی، مکتبی). گوهر گویا، سال ۲. شماره هفت، ۱۳۸۷، صفحات ۱ - ۳۷.
۱۴. محمدی افشار، هوشنگ، سیدامیر جهادی حسینی، محمدرضا یعقوبی چترودی؛ بازتاب حماسه ملی در شاهنامه الهامی کرمانشاهی، مطالعات ایرانی، شماره ۱، ۱۳۹۷، صفحات ۲۳۱-۲۵۶.
۱۵. مختاری، محمد، حماسه در رمز و راز ملی، چاپ اول، انتشارات قطره، تهران، قطره، ۱۳۶۸، ص ۲۱.